

# اخلاق محیط زیست بانگاہے به روایات فریقین

■ علی شیعہ علی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شیروان

parnoon@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۵

## چکیده

دین مبین اسلام همان طور که به خود انسان و زندگی او توجه داشته است و دستورات و احکامی برای سبک و شیوه این زندگی در نظر گرفته است، به محیط زندگی بشر نیز توجه خاصی نشان داده است. محیطی که از آن امروزه تحت عنوان محیط زیست نام می‌برند و از عناصر مهمی همچون آب، خاک و زمین و ... تشکیل یافته است. علاوه بر این در دین مبین اسلام از اخلاق اسلامی سخن به میان می‌آید که در کنار فقه اسلامی به مثابه دو بال برای عروج انسان در نظر گرفته می‌شوند. در اخلاق اسلامی نیز شاخه‌ای به نام اخلاق کاربردی وجود دارد که ناظر بر اعمال و کردار انسانی است و به بیان بهتر رفتار او در قبال محیط اطراف و رابطه با دیگر افراد جامعه را مورد بحث قرار می‌دهد. در مقاله پیش رو ابتدا بحثی پیرامون مفهوم محیط زیست و همچنین اخلاق کاربردی مطرح و سپس به یکی از فروع اخلاق کاربردی؛ یعنی اخلاق محیط زیست پرداخته می‌شود. اخلاق محیط زیست در واقع برخورد انسان با محیط زندگی اطراف خود اعم از محیط زیست جانوری، گیاهی و حتی بی‌جان را مورد بحث و بررسی و البته تقنین اخلاقی قرار می‌دهد. در این مورد آیات و روایات نسبتاً قابل توجهی در دین مبین اسلام وارد شده است که به تبیین این قواعد اخلاقی پرداخته‌اند و از این رو با مبنا قرار دادن روایات صحیح به تبیین گوشه‌ای از احکام فقهی و اخلاقی دین اسلام پیرامون طبیعت و محیط زیست پرداخته می‌شود. در پایان این نتیجه حاصل می‌شود که دین مبین اسلام با ارزش قائل شدن برای طبیعت، موجودات و کائنات، انسان مسلمان را موظف می‌کند در کنار وظایف عبادی و اجتماعی خویش، توجه خاصی به محیط زندگی اطراف خویش داشته باشد و با رعایت دستورات اخلاقی و حتی فقهی مرتبط با آن، حتی برای رشد و تعالی روحی و فرهنگی و ارزشی خویش نیز زمینه‌سازی نماید.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، محیط زیست، اخلاق کاربردی، روایات فریقین.



۵۰

مطالعات فقهی و حقوقی

شماره ۳۱ - بهار ۱۳۹۲

## مقدمه

امروزه محققان و اندیشمندان علوم مختلف، پژوهشها و تحقیقات گوناگونی درباره اخلاق سامان داده‌اند، در این راستا می‌توان سه حوزه پژوهشی و مطالعاتی را از یکدیگر بازشناخت: مطالعات توصیفی، مطالعات تحلیلی یا فرائی‌اخلاقی و مطالعات هنجاری. به این اعتبار می‌توان اخلاق را نیز به سه گونه تقسیم کرد: ۱. اخلاق توصیفی: به توصیف و معرفی اخلاقیات افراد، گروهها و جوامع مختلف می‌پردازد. ۲. فرائی‌اخلاق: به بررسی تحلیلی و فلسفی درباره مفاهیم و احکام اخلاقی می‌پردازد. ۳. اخلاق هنجاری: این بخش از مطالعات و پژوهشهای اخلاقی که «اخلاق دستوری» نیز نامیده شده است، به بررسی افعال اختیاری انسان و صفات حاصل شده از آنها، از حیث خوبی یا بدی و بایستگی یا نبایستگی، می‌پردازد.

اخلاق کاربردی، زیرمجموعه همان اخلاق هنجاری است، البته در حوزه خاصی از زندگی فردی و اجتماعی با دقت خاص و جزئی‌نگری و تطبیق اصول کلی بر موارد خاص.<sup>۱</sup> علم اخلاق علمی است که به ما نشان می‌دهد روابط گوناگون خود را چگونه تنظیم کنیم تا به هدف غایی از خلقت خویش دست یابیم. ولی در حوزه‌های خاص، ساحتهای جزئی و زندگی افراد کمتر وارد شده، مخصوصاً در حوزه‌های نوظهور که تبیین آن از وظایف اخلاق کاربردی است. اخلاق کاربردی بر آن است تا میزان تأثیرگذاری و کاربرد نظریه‌ها و اصول اخلاقی را در عرصه رفتارها و مسائل اخلاقی در دو حوزه فردی و اجتماعی با توجه به تعارضات اخلاقی نشان دهد، بنابراین با توجه به تفاوت مکاتب اخلاقی، اخلاق کاربردی متفاوتی خواهیم داشت؛ زیرا هر مکتبی براساس اصول اخلاقی که به آن معتقد است، سیاستهای کاربردی خود را در این زمینه سامان می‌دهد. از این رو اخلاق کاربردی اسلام مبتنی بر اصول اخلاقی اسلامی است و در مسائل اخلاقی از آن اصول الهی بهره می‌گیرد.

با توجه به گستره علم اخلاق که مشتمل بر رابطه انسان با خود، خدا، دیگران و طبیعت است<sup>۲</sup> و یا از نگاه دیگر

اخلاق بندگی، فردی، اجتماعی و خانواده می‌باشد، این مقاله که موضوعش اخلاق محیط زیست است، جایگاه خود را پیدا می‌کند که زیرمجموعه اخلاق اجتماعی و رابطه انسان با محیط است؛ زیرا به بررسی رابطه اخلاقی فرد با سایر انسانها و موجودات می‌پردازد. ادیان الهی و مکاتب اخلاقی و علمی همواره تلاش نموده‌اند تا راه صحیح استفاده از طبیعت و تعامل اخلاقی صحیح با موجودات را برای رشد انسان بیان نمایند، اما از آنجا که خداوند خالق و مالک و هادی خلقت است: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حُلُقَهُ ثُمَّ هَدَى»<sup>۳</sup> برای رشد هر موجودی، ظرفیت و مسیر مشخصی را در نظر دارد، بنابراین باید شیوه بهره‌مندی از مواهب الهی را در رهنمودهای وحیانی جستجو کرد. طبق قانون الهی، انسان اشرف مخلوقات و توان تسخیر موجودات را دارد، ولی متأسفانه در اثر نادانی و هواپرستی در حال نابود کردن طبیعت است. اخلاق محیط زیست، راه استفاده صحیح از طبیعت و کنترل مصرف را نشان می‌دهد و می‌آموزد که چگونه با احترام گزاردن و محبت کردن به طبیعت به عنوان آفریده شگرف خدا، می‌توان از منابع طبیعی آن در حد نیاز معقول بهره‌مند شد و در مسیر آباد ساختن آن گام برداشت.

در پژوهش پیش رو با ذکر برخی مقدمات، به بررسی ابعاد رابطه محیط زیست و اخلاق پرداخته خواهد شد و سپس با دسته‌بندی مطالب و بیان نکات کاربردی و کلیدی هر گفتار، در انتها از مجموع بحث نتایج حاصل خواهد شد.

## تعریف محیط زیست

محیط زیست طبیعی عبارت ترکیبی از دانشهای متفاوت در علم است از مجموعه عوامل زیستی و محیطی در غالب محیط زیست و غیر زیستی (فیزیکی، شیمیایی) که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌بینند. امروزه این تعریف غالباً به انسان و فعالیتهای او مرتبط می‌شود و می‌توان محیط زیست را مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین، همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و غیره، که انسان را احاطه می‌کنند، خلاصه کرد.

تفاوت محیط زیست با طبیعت در این است که تعریف طبیعت شامل مجموعه عوامل طبیعی، زیستی و غیر زیستی

۱. آیین زندگی، ص ۲۸.

۲. اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۴.

۳. طه، ۵۰.





می‌شود که منحصرأ در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که عبارت محیط زیست با توجه به برهم‌کنش‌های میان انسان و طبیعت و از دیدگاه وی توصیف شده است.

### تعریف اخلاق محیط زیست

یکی از قدیمی‌ترین شاخه‌های اخلاق کاربردی، اخلاق محیط زیست است. در اخلاق سنتی عموماً انسان که موجودی مختار و دارای افعال و آثاری است، محور مسائل اخلاقی بوده است. لیکن تحولات اخیر و تأثیرگذاری فناوریهای جدید در تخریب سریع و ناجوانمردانه محیط زیست، زمینه توجه را به جانب غیر از انسان اعم از حیوانات، کل موجودات زنده و مجموعه‌هایی مانند جمعیت، جوامع گیاهی، اکوسیستمها، دریاچه‌ها، جویبارها و کوهها فراهم آورده است. با این مقدمه روشن می‌شود که محیط زیست خود مفهومی نسبی و قیاسی است، بر این اساس همواره این سؤال مطرح است که منظور از محیط زیست، محیط زیست انسان، حیوانات و یا چه کسانی است؟ محیط زیست در این معنا تمام کره زمین با همه موجودات، آنها و خاکها و کل زیست کره و حتی فراتر از آن را شامل است. اما اخلاق محیط زیست شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به برخورد انسانها با عالم غیر انسان و عناصر غیر انسانی می‌پردازد. از این رو آنچه مستقیماً مورد توجه اخلاق محیط زیست قرار دارد، بررسی چگونگی رابطه عوامل انسانی آگاه و خودمختار با چیزهای موجود در محیط زیست است. گفتنی است که اخلاق محیط زیست نه تنها به محیط طبیعی، بلکه به محیط شهری نیز توجه دارد. توجه به تأثیرپذیری فیزیکی، ذهنی و روحی آدمی از طراحی و مصالح ساختمانهای ساخته شده، نمونه‌ای از این مسائل است.<sup>۴</sup>

عمده‌ترین مسائل اخلاق محیط زیست حول دو محور بحث می‌شوند: اول اینکه با تفکیک ارزش ذاتی از ابزاری چه نوع ارزشی را برای محیط زیست قائل شویم؟ یک چیز در صورتی ذاتاً خوب است که در نفس خود ارزشمند باشد و در صورتی به لحاظ ابزاری خوب است که گرچه لزوماً از خوبی ذاتی برخوردار نیست، ولی به خوبی می‌انجامد

۴. اخلاق کاربردی، ص ۱۹۹.

و مثلاً قطع عضو بدن هیچ خوبی ذاتی ندارد، اما ممکن است به سلامتی و تندرستی بدن بینجامد.<sup>۵</sup> کسانی که ارزش محیط زیست را ذاتی می‌دانند بر این باورند که باید به دنبال تأسیس اصول اخلاقی جدیدی جدای از مکتبهای رایج اخلاق سنتی بود. از نظر این گروه اصول اخلاقی سنتی به شدت انسان محور بوده و منافع محیط زیست را فدای منافع انسانی می‌کند. در محور دوم از نحوه اندیشیدن آدمی در خصوص رابطه‌اش با محیط زیست بحث می‌شود؛ آیا رابطه آدمی با طبیعت باید مانند رابطه شاگرد با استاد تنظیم شود که در این صورت باید با پیروی از طبیعت روش درست رفتار کردن را از خود طبیعت بیاموزیم؟ یا اینکه آدمی نیز باید خود را جزئی از طبیعت و نه تافته جدا بافته از آن بداند. در این صورت نباید خود را برتر از طبیعت بداند و به بهره‌کشی از آن رو آورد.<sup>۶</sup>

### اخلاق اسلامی و محیط زیست

دین مبین اسلام در تعالیم جان‌آفرین و حیات‌بخش خود جایگاه رفیعی برای اخلاق قائل شده است، تا آنجا که پیامبر اسلام (ص) هدف و غایت اصلی خویش را تتبیم و تکمیل مکارم اخلاقی بیان می‌نماید.<sup>۷</sup> از این رو این دین مبین پس از بیان اهمیت اخلاق و مکارم آن به تشریح جزئیات آن می‌پردازد. اخلاق به طور کلی به مانند سایر ادیان الهی به دو شاخه «اخلاق نظری» و «اخلاق عملی» قابل تقسیم است. از اخلاق عملی همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، به اخلاق کاربردی هم می‌توان اسم برد. همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، ناظر بر رفتار و کردار و اعمال انسان مسلمان است. همین‌طور وضعیت او نسبت به عالم هستی و مخلوقات الهی. بنابراین بدیهی است که لزوماً باید ناظر بر رابطه انسان با طبیعت و محیط زیست نیز باشد و وظایف اخلاقی وی در قبال طبیعت و محیط زیست را نیز با جزئیات دقیق بیان نموده باشد (که البته این چنین نیز

۵. مسائل اخلاقی، صص ۷۳ و ۷۴.

۶. اخلاق محیط زیست، ص ۲۹۴.

۷. الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۰؛ احکام القرآن، ج ۳، ص ۱۹۴؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۹۷؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۰۰؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۳۵؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.



تعداد خانواده‌ها، تولید و تربیت گوسفند به طور مستمر انجام گیرد.

امیرمؤمنان علی(ع) در اهمیت زراعت می‌فرماید: «من وجد ماءً و تراباً ثم افتقر فابعده الله». <sup>۱۱</sup> نیز از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: «هیچ عملی نزد خدا از زراعت محبوب‌تر نیست». <sup>۱۲</sup>

از پیامبر(ص) نقل شده است که فرمود: «بر شما باد که به تربیت گوسفند و کشاورزی بپردازید که در رفت و آمد هر دو (آغاز و انجامشان) خیر و برکت است». <sup>۱۳</sup>

وقتی امامان معصوم تا این حد از کشاورزی و دامداری سخن می‌گویند، چگونه ما به خود اجازه می‌دهیم که این چنین با طبیعت رفتار کنیم؟ شاخه‌ای را بشکنیم و درختی را ریشه‌کن کنیم، یا وقتی حیوانی را می‌بینیم، با نهایت بی‌رحمی با آن رفتار کنیم. ما سرمشقی بهتر از پیامبران و امامان معصوم نداریم و باید از آنان درس بگیریم. آیا نمی‌دانیم که آن بزرگواران چگونه با این طبیعت زیبا رفتار می‌کردند؟

## ۲) توصیه به حفظ و نگهداری گیاهان و درختان

علی(ع) در نهج البلاغه با مهربانی و زیبایی بسیار درباره گیاهان و درختان سخن گفته است. امام در بازگشت از جنگ صفین این چنین وصیت می‌کند: «این دستوری است که بنده خدا علی بن ابی‌طالب، امیرمؤمنان، نسبت به اموال شخصی خود، برای خشنودی خدا داده است، تا خداوند با آن به بهشتش درآورد، و آسوده‌اش گرداند. همانا سرپرستی این اموال بر عهده فرزندم حسن بن علی است؛ آن‌گونه که رواست از آن مصرف نماید و از آن انفاق کند، اگر برای حسن حادثه‌ای رخ داد و حسین زنده بود، سرپرستی آن را پس از برادرش بر عهده گیرد و کار او را تداوم بخشد. پسران فاطمه از این اموال به همان مقدار سهم دارند که دیگر پسران علی خواهند داشت؛ من سرپرستی اموال را به پسران فاطمه واگذاردم، تا خشنودی خدا و نزدیک شدن به رسول الله(ص) و بزرگداشت حرمت او و احترام پیوند خویشاوندی پیامبر را فراهم آورم. و با کسی که این اموال در دست اوست شرط می‌کنم که اصل مال را حفظ کرده،

همان‌طور که روشن و مبرهن است، خداوند احکام اخلاقی و فقهی خود را از طریق ادله احکام به مکلفان می‌رساند. این ادله احکام که از آنها به ادله اربعه نیز تعبیر می‌شود، شامل کتاب، سنت، عقل و اجماع می‌باشند. از این رو باید احکام اخلاقی پیرامون طبیعت و محیط زیست و همین‌طور حیوانات و گیاهان را در همین ادله به ویژه قرآن و سنت گرفت که در این مقاله به روایات پیامبر(ص) و امامان(ع) پرداخته می‌شود.

## اخلاق محیط زیست در آینه روایات

بعد از ذکر این مقدمات، در اینجا روایات فریقین مورد بررسی قرار می‌گیرند، تا اخلاق محیط زیست در پرتو گفتار و کردار پیامبر(ص) و امامان(ع) ارائه گردد:

### ۱) بیان اهمیت و برکات دامداری و کشاورزی

دامداری و کشاورزی به عنوان دو منبع اصلی تأمین مواد غذایی انسان در اسلام است و در تعلیمات حیات‌آفرین آن، دامداری و کشاورزی اهمیت بسیاری یافته است. اسلام، مسلمانان را به این دو تشویق نموده که به عنوان نمونه، سخنی چند را یادآور می‌شویم:

پیامبر اکرم(ص) به یکی از بستگانش فرمود: «چرا در خانه‌ات برکت نمی‌آوری؟ عرض کرد: منظورتان از برکت چیست؟ فرمود: گوسفند شیرده! سپس اضافه فرمود: هرکس در خانه خود گوسفند شیرده یا گاو ماده داشته باشد، سر تا پا برکت است». <sup>۸</sup>

از پیامبر نقل شده که درباره اهمیت گوسفند فرمود: «گوسفند سرمایه بسیار خوبی است». <sup>۹</sup>

در تفسیر نورالتقلین از امیرمؤمنان علی(ع) نقل شده است: «بهترین چیزی که انسان در خانه برای خانواده خود تهیه می‌کند، گوسفند است. هرکس در منزل خود گوسفندی داشته باشد، در هر روز فرشتگان خدا دو بار او را تقدیس می‌کنند». <sup>۱۰</sup>

ممکن است شرایط تربیت کردن گوسفند در خانه برای بسیاری فراهم نباشد، ولی هدف اصلی این است که به

۱۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۹.

۱۲. همان، ج ۲۳، ص ۲۰.

۱۳. همان، ج ۱۴، ص ۲۰۴.

۸. بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۱۲۹.

۹. همان.

۱۰. تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۴۰.



تنها از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند و هرگز نهالهای درخت خرما را نفرروشند تا همه این سرزمین یکپارچه به گونه‌ای زیر درختان خرما قرار گیرد که راه یافتن در آن دشوار باشد»<sup>۱۴</sup> این گونه وصیت، آن هم به فرزندان همچون حسن و حسین (ع) نمایانگر اهمیت برخورد نیک با درختان و گیاهان، به ویژه درخت نخل و حفظ آنها است.

ما انسانها اگر بدانیم که واقعاً وجود درختان چه ثمراتی برای ما دارد، هیچ‌گاه به آنها آسیب نمی‌رسانیم، تا چه رسد که آنها را از بین ببریم. وجود درخت - حتی اگر میوه هم نداشته باشد - فواید بسیاری دارد. از آن جمله:

۱. سبزی درخت باعث افزایش نور چشم می‌شود ۲.
- سبزی درخت باعث طراوت و شادابی روح می‌شود ۳.
- اکسیژن فراوان در هوا منتشر می‌کند و باعث تصفیه هوا و کم شدن آلودگی می‌شود ۴.
- از فرسایش بیش از حد خاک جلوگیری می‌کند.

امامان همواره بر حفظ و نگهداری درختان و گیاهان تأکید داشته‌اند. از این رو امام صادق (ع) می‌فرماید: «درختان میوه را قطع نکنید که خداوند بر سر شما عذاب سختی فرو می‌ریزد»<sup>۱۵</sup> همچنین ایشان نیازهای نواحی مختلف را در برخورد با درختان در نظر می‌گیرند. شخصی از امام صادق (ع) می‌پرسد: آیا قطع درخت اشکال دارد یا نه؟ امام می‌فرماید: نه اشکالی ندارد. می‌پرسد: قطع درخت سدر چه؟ می‌فرماید: اشکالی ندارد، قطع درخت سدر در بیابان مکره است، چون این درخت در صحرا کمیاب است، اما در اینجا (که درخت سدر فراوان است کراهتی ندارد).<sup>۱۶</sup>

### ۳) توصیه به برخورد نیک با حیوانات

امام علی (ع) در نامه‌ای ضمن آموزش اخلاق اجتماعی به کارگزاران اقتصادی، چگونگی رفتار با حیوانات را نیز متذکر می‌شود: «با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن. در سر راه، هیچ مسلمانی را ترسان یا با زور از زمینی نگذر و افزون‌تر از حقوق الهی از او مگیر ... آن‌گاه که داخل شدی مانند اشخاص سلطه‌گر و سخت‌گیر رفتار نکن، حیوانی را رم مده و هراسان مکن و دامدار را مرتجان ...»

امام در ادامه به حمایت از حقوق حیوانات می‌پردازد و چنین اضافه می‌کند: «در رساندن حیوانات [مورد مالیات] آنها را به دست چوپانی که خیرخواه و مهربان، امین و حافظ، که نه سختگیر باشد و نه ستمکار، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند، بسیار. سپس آنچه از بیت‌المال جمع‌آوری شد، برای ما بفرست، تا در نیازهایی که خدا اجازة فرموده، مصرف کنیم. هرگاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی، به او سفارش کن تا بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند و شیر آن را ندوشد تا به بچه‌اش زیانی وارد نشود. در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید. آنها را در سر راه به درون آب ببرد و از جاده‌هایی که دو طرف آن علف‌زار است به جاده بی‌علف نکشاند و هر چند گاه شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند و هرگاه به آب و علف‌زار رسید، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند، تا آن‌گاه که به اذن خدا بر ما وارد شوند، فربه و سرحال، نه خسته و کوفته، که آنها را بر اساس رهنمود قرآن و سنت پیامبر (ص) تقسیم نمایم. عمل به دستورهایی یاد شده مایه بزرگی پاداش و نیز هدایت تو خواهد شد. ان شاء الله»<sup>۱۷</sup>

### ۴) بیان فضیلت درخت‌کاری و کشاورزی

در سخنان معصومان (ع) فضایل زیادی درباره درخت‌کاری و پرورش گل و گیاه نقل شده است که بخشی از آنها از نظر گذرانده می‌شود:

پیامبر خدا (ص) فرمود: «اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد، چنانچه بتواند آن نهال را بکارد، این کار را بکند»<sup>۱۸</sup>.

امام باقر (ع) به نقل از پدرش می‌فرماید: «بهترین کارها کشاورزی است؛ آن را می‌کاری و نیکوکار و بدکار از آن می‌خورند. نیکوکار می‌خورد و برایت از خدا آموزش می‌طلبد و بدکار می‌خورد و آنچه خورده او را لعن و نفرین می‌کند و چرندگان و پرندگان نیز از آن بهره‌مند می‌شوند»<sup>۱۹</sup>.

امام باقر (ع) به نقل از امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «هرکه با

۱۷. همان، ج ۵، ص ۵۰۷.

۱۸. کنز العمال، ج ۹۰۵۶.

۱۹. الکافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۵.

۱۴. نهج البلاغه، نامه ۲۴.

۱۵. الکافی، ج ۵، ص ۲۶۴، ح ۸.

۱۶. همان، ج ۹.



می‌کنند، در کشاورزی به او کمک می‌کنند، چرخه تکامل طبیعت و گیاهان را کامل می‌کنند و همچنین جلوی برخی از آلودگیها را می‌گیرند. حال تصور کنید که این موجودات نبود شوند و حتی یکی از موارد ذکر شده بالا از کف انسان برود، زندگی بشر به چه شکل درمی‌آید؟

## ۶) بیان آموزش گناهان به سبب سیراب کردن حیوانات

معصومان به سیراب کردن حیوانات بسیار سفارش کرده‌اند، از جمله رسول خدا(ص) فرمود: «زنی در بیابان می‌رفت و سخت تشنه شده بود، تا به چاهی رسید که در آن، آب بود، خود را به قعر آن رسانید و آب آشامید و سیراب شد و بیرون آمد، دید سگی از شدت تشنگی خاکهایی که نم‌دار شده را می‌خورد. به خود گفت: این سگ بیچاره مانند من تشنه شده است. بر او رقت کرد و به زحمت خود را به آب رسانید و موزه پایش را پر از آب کرد و به دندان گرفت و بالا آمد و سگ را سیراب نمود. خداوند این کارش را پذیرفت و تلافی فرمود و او را آمرزید». گفتند: «یا رسول الله! آیا برای ما در احسان به حیوانات پاداشی است؟»، فرمود: «آری، خنک کردن هر جگری که عطش دارد، اجر خواهد داشت».<sup>۲۸</sup>

## ۷) نکوهش بی‌رحمی به حیوانات و اذیت و آزار آنان

در اسلام بی‌رحمی حتی نسبت به حیوانات نکوهش شده است. مسلمانان حق ندارند حیوانی را بیازارند یا حتی به آن ناسزا بگویند!<sup>۲۹</sup> از این رو پیامبر اکرم(ص) در حدیثی می‌فرماید: «اگر ستمی که بر حیوانات می‌کنید، بر شما بخشیده شود، بسیاری از گناهان شما بخشوده شده است».<sup>۳۰</sup> کشتن حیوانات حلال گوشت برای مصرف، از نظر اسلام جایز است؛ در عین حال، ذبح آنها آدابی دارد که تا حد ممکن، حیوان کمتر رنج ببیند. یکی از آداب ذبح این است که نباید حیوان را در برابر چشم حیوانی مانند او سر برید.<sup>۳۱</sup> چنان که امام علی(ع) فرمود: «گوسفند را نزد گوسفند و شتر را نزد شتر ذبح مکن، در حالی که آن دیگری به او می‌نگرد».<sup>۳۲</sup>

همچنین سر بریدن بچه حیوانات نزد مادرشان به شدت نکوهش شده و حاکی از نهایت سنگدلی و بی‌رحمی است

وجود داشتن آب و خاک نیازمند باشد، خدای (از رحمت خود) دورش گرداند».<sup>۲۰</sup>

امام صادق(ع) فرمود: «در آیه «مؤمنان باید به خدا توکل کنند»: منظور از مؤمنان، کشاورزان است».<sup>۲۱</sup>

امام صادق(ع) فرمود: «در میان کارها هیچ کاری نزد خدا محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری بر نیانگیخت مگر آنکه کشاورز بود، به جز ادریس که خیاط بود».<sup>۲۲</sup>

## ۵) وضع حقوقی ثابت برای حیوانات

پیامبر خدا(ص) ماده شتری را دید که زانویش بسته شده و جهاز همچنان بر پشت او بود. پرسید: «صاحب آن کجاست؟ به او بگوئید خودش را برای دادخواهی این شتر در قیامت آماده کند».<sup>۲۳</sup> بنابراین پیامبر و امامان در روایات خود به وضع حقوقی ثابت برای حیوانات پرداخته‌اند، تا بدین وسیله مانع اذیت و آزار آنها توسط انسانها گردند:

پیامبر خدا(ص) می‌فرمود: «خداوند مدارا کردن را دوست می‌دارد و بر انجام دادن آن کمک می‌کند. پس هرگاه چهارپایان لاغر را سوار شدید، آنها را در منزلهایشان فرود آورید؛ اگر زمین خشک و بی‌گیاه بود، با شتاب از آن بگذرید و اگر سرسبز و پر علف بود، آنها را در آنجا استراحت دهید».<sup>۲۴</sup>

آن حضرت در جای دیگر می‌فرمود: «حیوان شش حق به گردن صاحب خود دارد: هرگاه از آن پیاده شد علفش دهد، هرگاه از آبی گذشت آن را آب دهد، بی‌دلیل آن را نزند، بیشتر از قدرتش آن را بار نکند، بیشتر از توانش آن را راه نبرد و مدت زیادی روی آن درنگ نکند».<sup>۲۵</sup>

نیز رسول خدا(ص) فرموده است: «به صورت حیوانات نزدیک؛ زیرا آنها حمد و تسبیح خدا را می‌گویند».<sup>۲۶</sup>

امام صادق(ص) می‌فرماید: «زنی به سبب آنکه گربه‌ای را بسته بود، تا از تشنگی مرد، به عذاب خدا گرفتار آمد».<sup>۲۷</sup> حیوانات علاوه بر اینکه بخشی از غذای انسان را تأمین

۲۰. قرب الاسناد، ص ۱۱۵، ح ۴۰۴.

۲۱. کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۲۲.

۲۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۱، ح ۱۵۸۹۸.

۲۳. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۵۰.

۲۴. الکافی، ج ۵، ص ۱۱۰، ح ۱۲.

۲۵. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۵۸، ح ۹۳۹۳.

۲۶. الکافی، ج ۶، ص ۵۳۸، ح ۴؛ الخصال، ص ۶۱۸، ح ۱۰.

۲۷. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۸۶۴.

۲۸. بحار الانوار، ج ۱۴؛ بیان المعانی، ج ۳، ص ۱۶۳.

۲۹. میزان الحکمه، ج ۳، ح ۱۳۴۳.

۳۰. همان، ح ۴۵۲۰؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۱۱۱.

۳۱. وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۱۶۰.

۳۲. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۴۱.



و آثار ویرانگری بر زندگی انجام دهنده آن خواهد داشت.<sup>۳۳</sup> بد رفتاری با حیوان او را سرکش می‌کند و حتی می‌تواند مقدمه نابودی او گردد. اسلام حتی توهین به حیوان را نهی کرده، تا جلوی بسیاری مضرات و آسیبهای آینده را بگیرد.

سلیمان بن جعفر گوید: «در باغی حضور امام رضا (ع) بودم، ناگهان گنجشکی آمد و رو به روی حضرت به سر و صدا پرداخت و اظهار نگرانی کرد؛ امام به من فرمود: ای سلیمان می‌دانی این گنجشک چه می‌گوید؟ گفتم: نه. امام فرمود: می‌گوید ماری آمده می‌خواهد جوجه‌های مرا بخورد. برخیز و عصا را به دست بگیر و به خانه‌ای که لانه گنجشک در آن است برو و آن مار را بکش. سلیمان می‌گوید من برخاستم و با عصا به آن خانه رفتم، دیدم ماری در خانه می‌گردد، با عصایم او را کشتم».<sup>۳۴</sup>

بعضی از صاحبان حیوانات که نمی‌خواستند حیوان آنها با حیوان دیگری اشتباه شود، او را نشان می‌کردند. یکی از راههای نشانه‌گذاری این بود که بر بدن یا چهره آنها داغ می‌گذاشتند. اثر آهن تفتیده بر بدن آنها همواره باقی می‌ماند؛ اما حیوان بسیار آزرده می‌شد. پیامبر اکرم (ص) از این کار نهی فرموده است. روزی پیامبر اکرم (ص) از راهی گذر می‌کرد. الاغی را دید که بر چهره او داغ گذاشته شده بود. حضرت با دیدن این حیوان فرمود: «مگر نشنیده‌ای که من داغ گذارنده بر صورت حیوانات را لعنت کرده‌ام و کسی که به صورت آنها بزند، مورد لعنت من است».<sup>۳۵</sup>

گویند ذوالنون مصری، یک زن نامسلمان را دید که در فصل زمستان مقداری گندم به دست گرفته، برای پرندگان بیابان برد و جلوی آنها ریخت. وی به آن زن گفت: «تو که کافر هستی، این دانه دادن تو به پرندگان چه فایده دارد؟» او گفت: فایده داشته باشد یا نه من این کار را می‌کنم. چند ماه از این جریان گذشت، ذوالنون در مراسم حج شرکت کرد، همان زن را در مکه دید که همراه مسلمانان به انجام دادن مراسم حج اشتغال دارد. آن زن وقتی ذوالنون را شناخت به او گفت: «به سبب همان یک مقدار گندم که به پرندگان دادم، خداوند نعمت اسلام را به من احسان نمود و

۳۳. کیمیای محبت، ص ۱۴۷.

۳۴. مناقب آل ابی‌طالب، ص ۳۳۴.

۳۵. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۵۸.

توفیق قبول اسلام را یافتیم».<sup>۳۶</sup>

اگر حیوانات غذای مورد نیاز خود را دریافت نکنند، طبیعی است که حیاتشان به خطر می‌افتد و با اگر غذای آلوده و نامناسب مصرف کنند، دچار بیماریهایی می‌شوند که می‌تواند بعدها به انسانها سرایت کند. بیماری عجیب و سخت امروزی مانند جنسون گاوی، آنفولانزای مرغی، آنفولانزای خوکی، ایدز و ... همه و همه بر اثر مصرف آلوده و یا نجس ایجاد شده‌اند (به عنوان مثال علت اصلی ایجاد بیماری جنون گاوی براساس تحقیقات دانشمندان مصرف گوشت مردار و خون توسط گاوها تشخیص داده شده است). بنابراین تغذیه حیوانات نقش بزرگی در سلامت انسان دارد.

### راهکارهایی برای حفاظت از محیط زیست

حفاظت از محیط زیست نه تنها به عنوان جزء تفکیک ناپذیر توسعه پایدار، بلکه به عنوان ارزش بنیادین مورد نیاز نسل امروز و نسلهای آینده مورد پذیرش و تأکید قرار گرفته است. مصادیق ناپایداری همانند استفاده نامناسب از انرژی و یا انرژیهای نامناسب، بهره‌برداری و تخریب بی‌رویه منابع پایه، فقر، افزایش جمعیت، الگوهای نامعقول تولید و مصرف، افزایش آلودگیها و ... عمدتاً مشکلات محیط زیست نیز محسوب می‌شوند و ناگزیر حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار اهمیت روزافزونی می‌یابد. بنابراین کسانی که به آینده کره زمین و حفظ موجودیت آن علاقه‌مندند در صدد رفع ناپایداری فوق و بهبود کیفیت محیط زیست برآمده‌اند.

برای بقای یک محیط زیست، ارتباط متقابل موجودات زنده با یکدیگر و با عوامل غیرزنده، امری لازم و ضروری است. روابط بین انسان و طبیعت یک بحث قدیمی است که تا مدتها تصور می‌شد طبیعت با نیروی تصفیه‌کننده و تنظیم‌کننده‌اش، تعرضات انسان را هضم خواهد کرد.

افزایش جمعیت، تجارتهای پر سود عاج فیل، شاخ کرگدن، پوست تمساح، جنگل زدایی و بهره‌برداری از جنگلها و مصرف بیش از حد انرژی با سرعت زیادی موجب برهم زدن نظم موزون و شگفت‌انگیز مکانیزم جهان شده است. از طرفی بلاهای طبیعی (سیل، آتش فشان، زلزله و ...)

۳۶. تفسیر روح البیان، ج ۹، ص ۳۱۰؛ ذیل آیه ۶۰ سوره الرحمن.



و یا تغییرات آب و هوایی باعث دگرگونیهای مهمی در میراث جانداران زمین شده است.

اما واقعاً حفاظت از محیط زیست چه ضرورتی دارد و چرا باید این همه از آن سخن گفت و بر آن پافشاری کرد؟ شاید بتوان چند دلیل مهم برای آن برشمرد:

۱. زنجیره حیات: جانوران، محتاج گیاهان (برای تبدیل انرژی خورشیدی به غذا) و گیاهان محتاج جانوران (برای انتقال دانه‌های گرده و بارور کردن آنها) هستند و بقای جانوران منوط به بقای طعمه‌هایشان است. پس نابودی گیاهان مساوی با نابودی حیوانات و همین‌طور برعکس نابودی حیوانات مساوی با نابودی گیاهان است.

۲. یک گنجینه درمانی: معالجه ۸۰ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه با داروهای طبیعی انجام می‌شود. منشأ بسیاری از داروها، جانوران به خصوص آبیژان هستند. در مناطقی چون هند، چین، آمازون و آسیای جنوب شرقی، پزشکان گیاهان مختلفی را به طریقه سنتی برای درمان استفاده می‌کنند.

۳. یک انبار وسیع: طبیعت یک مخزن بزرگ مواد خوراکی است که هنوز چندان مورد استفاده قرار نگرفته و مواد غذایی انسان به این تنوع زیستی در محصولات کشاورزی وابسته است.

۴. معدنی برای صنعت: تقریباً در تمام شاخه‌های صنعت از نشاسته‌ها، شیره بعضی نباتات، روغنهای گیاهی، چربیهای گیاهی و حیوانی استفاده می‌شود و گیاهانی مثل نیشکر، چغندر قند و گندم، انرژیهای سبز شناخته شده است.

اما برای حفاظت از محیط زیست و اشاعه فرهنگ آن میان مردم می‌توان راهکارهای فراوانی ارائه نمود، از جمله:

۱. تنظیم قوانین مناسب و جامع و همچنین تعیین مجازاتهای بازدارنده برای مقابله با تخریب کنندگان محیط زیست و نظارت بر حسن اجرای آنها. البته قوانین جالب توجهی در زمینه‌های مختلف مربوط به محیط زیست پایه گذاری شده است که اگر این قوانین به نحو احسن اجرا شوند و میان مجریان قوانین همکاری و هماهنگی وجود داشته باشد، می‌توان تا حدودی به حفظ محیط زیست امیدوار بود، از جمله: قوانین ۱۹۶۱م و ۱۹۸۰م در مورد آلودگی آب، ۱۹۷۵م در مورد فضولات، ۱۹۸۵م در مورد

کوهستان، ۱۹۸۶م در مورد ساحل دریاها، و ۱۹۸۷م در مورد خطرهای جدی دیگر.

۲. آموزش اهمیت حفظ محیط زیست و نقش کلیدی و حیاتی آن در زندگی جوامع انسانی به مردم و به ویژه کودکان.

۳. ایجاد انسجام و هماهنگی میان مردم هر شهر و کشور و حتی میان مردم کشورهای مختلف. فرمول «زمین یکی است ولی جهان چنین نیست»، به ما یادآوری می‌کند که باید بین مردم کل جهان همکاری و هماهنگی لازم ایجاد شود، تا همه بتوانند از این مکان مشترک؛ یعنی زمین بهره کافی ببرند که به لطف خدا این ضرورت همکاری بین‌المللی از آغاز قرن ۲۱ تشدید شده است.

۴. ایجاد و گسترش مناطق حفاظت شده و نظارت بر آن توسط دولت.

۵. گسترش فضاهای سبز و کاشت هرچه بیشتر درختان در محیطهای شهری و غیر شهری.

۶. ایجاد محدودیتهای بیشتر برای تردد وسایل نقلیه دودزا و آلاینده.

۷. انتقال تدریجی کارخانجات و کارگاههای صنعتی آلاینده به مناطق بیابانی و فاقد محیط زیست پویا.

۸. طرح درختکاری در مناطق سوخته شده جنگل.

۹. برخورد قاطع با تخریب کنندگان محیط زیست و معرفی آنها به مراجع قانونی.

۱۰. ممنوعیت رفت و آمدهای خودرویی در مناطق آسیب پذیر.

۱۱. ایجاد پارکهای جنگلی.

۱۲. مدیریت اصولی گردشگری.

۱۳. استفاده از فرصت طلایی همایشهای پیاده‌روی خانوادگی و طرح جمع‌آوری زباله‌های موجود در طبیعت و توجه بیشتر به شرکت دادن مردم در حفاظت از محیط زیست.

۱۴. آموزش برای استفاده کمتر از انواع مواد شوینده و پاک کننده با درصد بالایی از فسفات.

۱۵. آموزش برای استفاده کمتر از انواع رنگهای روغنی و جایگزین کردن آنها با رنگهای پلاستیکی.

۱۶. آلوده نکردن آبهای جاری با انواع زباله‌ها و







پسماندها.

۱۷. استفاده از وسایل نقلیه عمومی برای مسافتهای طولانی و استفاده از دوچرخه برای مسافتهای کوتاه.
۱۸. کاشت و پرورش درختان و گیاهان در فضای مناسب.
۱۹. تعمیر وسایل سوختی خانه.
۲۰. تبیین دستورات و احکام دین مقدس اسلام بر اهمیت نقش محیط زیست و توجه ویژه به حفاظت از آن.
۲۱. بازیافت زباله‌های صنعتی.
۲۲. استفاده از منابع انرژی پاک.
۲۳. استفاده از وسایل مصرفی تجزیه پذیر.
۲۴. حفظ گونه‌های حیوانی نادر و جلوگیری از به خطر افتادن نسل حیوانات دیگر.
۲۵. عدم استفاده و یا کاهش استفاده از فرآورده‌های خطرناک و مسموم در مصارف خانگی و تجاری.
۲۶. مهار ریختن پسماندهای فرآورده‌های شوینده، رنگهای شیمیایی، حلالهای شیمیایی و سموم آفت‌کشهای مستعمل.
۲۷. تشویق اصناف در تقبل مسئولیت در قبال محیط زیست.
۲۸. اطلاع عموم مردم از برنامه‌ها در حفاظت از محیط زیست و ارتقای آنها.
۲۹. جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان و نابودی جنگلها و مراتع.
۳۰. ایجاد کمربند سبز برای شهرها.
۳۱. جلوگیری از شکار بی‌رویه جانوران، آبیان و ...
۳۲. مراقبت از آبها و جلوگیری از آلودگی منابع آبی (رودخانه‌ها، دریاها و سایر منابع).
۳۳. جلوگیری از تولید زباله و آموزش درست مصرف کردن.
۳۴. کاهش استفاده از اسپریها که باعث تخریب لایه اُزن می‌شوند.
۳۵. اجرای طرحهای همکاری سازمان محیط زیست با سایر ارگانها حتی مدارس در پاک سازی مراتع، جنگلها، سواحل دریاها، پارکها و ...
۳۶. ایجاد رابطه تنگاتنگ و نزدیک میان سازمان حفظ

محیط زیست و شهرداریها و اجرای طرحهای مشترک.

### نتیجه‌گیری

۱. خداوند انسان را به مقام خلیفه الهی برگزیده و جانشین خود در زمین و کائنات قرار داده است. بدیهی است که هیچ مالک و یا جانشین مالکی سعی در نابودی و زوال آنچه در اختیارش است، نمی‌کند و بلکه تلاش می‌نماید تا آن را بلندتر کند و ارتقایش دهد.
۲. اسلام در تعالیم خود بارها از طبیعت و عالم هستی سخن می‌گوید و مردم را به تفکر و تأمل در آن فرا می‌خواند. عالم هستی و عجایب و زیباییهای آن از آیات و نشانه‌های قدرت الهی است. نظاره طبیعت روح را آرام می‌کند و امید به زندگی را بیشتر می‌کند. انسان با سیر در طبیعت و ملاحظه اسرار حیات و بقای موجودات زنده به تلاش و ممارست در زندگی و تحمل مصائب امیدوارتر و دلگرم‌تر می‌گردد.
۳. علاوه بر این اسلام در دستورات خود بر حفظ و نگهداری طبیعت تأکید می‌کند. اگر طبیعتی نباشد، اگر منابع طبیعی از بین برود، اگر حیوانات و گیاهان از بین بروند، حیات انسان دچار مشکلاتی بزرگ و لاینحل می‌شود. خداوند عالم هستی و محتویاتش از گیاهان و حیوانات و منابع طبیعی را خلق کرد تا بشر در رفاه قرار گیرد و زندگی‌اش ممکن گردد. حال همین خداوند به بندگان دستور بر حفظ طبیعت و حتی آباد کردن آن می‌دهد، تا نسلهای بعدی بشر در مضیقه و سختی قرار نگیرند.
۴. معصومان(ع) بارها در سیره خود از طبیعت و ضرورت حفظ آن سخن گفته و یا خود شخصاً با عمل خویش به مسلمانان درس داده‌اند. این همه توجه به طبیعت و این همه دستور و الزام به انسان نسبت به حفظ آن، نشان از اهمیت فراوان آن دارد. حتماً نقشی در تکامل و ارتقا و تعالی انسان بر عهده طبیعت گذارده شده است. این اهمیت و لزوم توجه به آن را تنها انسانهای عالم و ریزبین درمی‌یابند.
۵. به جز شرع حتی عقل هم بر لزوم توجه به طبیعت و همین‌طور حفظ و نگهداری آن دلالت می‌کند. زندگی بشر وابسته به طبیعت و موجودات زنده دیگر است. اگر طبیعتی نباشد، انسانی هم نیست.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، الخصال، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۵. اخلاق کاربردی، جمعی از نویسندگان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۶. بنسون، جان، اخلاق محیط زیست، ترجمه غلامحسین وهاب زاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲ش.
۷. پالمر، مایکل، مسائل اخلاقی، ترجمه علیرضا آل بویه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۸. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۹. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش.
۱۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دارالتراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۲. حقی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، ۲۰۰۳م.
۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۴. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات لاهیجی، ۱۳۷۹ش.
۱۵. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۶. شریفی، احمدحسین، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵ش.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۲۲. قمی، شیخ عباس، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۹ق.
۲۴. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۸۹م.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۶. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ق.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد، کیمیای محبت، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ش.
۲۸. همو، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۴۱۶ق.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ش.
۳۰. ملا حویش آل غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.

